|  |
| --- |
| [ماهنامه معارف ، شماره 88](http://www.magiran.com/magtoc.asp?mgID=1280&Number=88&Appendix=0&lanf=Fa)  توفيق تبليغ نگاهي به شيوه تبليغي استاد قرائتي |

|  |
| --- |
|  |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |
|  | |
| |  |  | | --- | --- | | |  | | --- | | **اشاره**      «ادْعُ إِلَي سَبِيلِ رَبِكَ بِالْحِكْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَجَادِلْهُمْ بِالَتِي هِيَ اَحْسَنُ؛ 1با حكمت و اندرز نيكو، به سوي پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشي كه نيكوتر است، مجادله كن!»      يكي از وسايل مورد نياز جهان امروز، ابزار تبليغ است. مي توان با استفاده از ابزارهاي مدرن تبليغي، ناممكن ها را ممكن ساخت و فرهنگ خويش را به جان و جهان انسان ها تزريق نمود. لذا لازم است با به كارگيري شيوه هاي نوين تبليغي و استفاده از قابليت هاي اين بخش، نورانيت اسلام و قرآن را به همگان نشان داد.      استاد قرائتي در ميان مبلغان معاصر از جمله چهره هاي موفقي است كه توانسته است با ابتكار و تجربه هاي منحصر به فرد در شيوه دعوت، در طول بيش از سه دهه تلاش خستگي ناپذير، مباني روشنگرانه اسلام ناب محمدي(ص) را با محوريت قرآن كريم به مخاطبان عرضه نمايد.      در اين نوشتار تلاش شده است تا به اجمال، شيوه تبليغي اين استاد بزرگوار تقديم علاقه مندان و مبلغان گرامي گردد؛ باشد كه مورد استفاده قرار گيرد.                **معارف**           **1. دامنه تبليغي خود را گسترش دهيم**      تبليغ محدود به زمان و مكان خاصي نيست و مرز و بوم ندارد. رسول اكرم(ص) به سران كشورهاي يمن، حبشه، روم، ايران دعوتنامه ارسال نمودند. حضرت امام(ره) نيز به رهبر بزرگترين قدرت هاي ماركسيستي نامه دعوت نوشتند. با هجرت يك عالم قزويني به كشور چين، اسلام به چين وارد شد؛ و مردم شمال كشور چاد از طريق چند زن مسلمان با اسلام آشنا شدند.                **2. ما مردم را دعوت كنيم؛ قبل از آنكه آنها دعوت نمايند 2**      امير مومنان حضرت علي(ع) در توصيف پيامبر اسلام (ص) مي فرمايند: «طَبيبٌ دَو ارٌ بِطبِه» 3 او طبيبي است كه براي بيماران مرهم شفا بخش مي آورد و با داروي خود در پي يافتن بيماران است. و همين است كه بعد از نزول آيه «وَاَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الاقْرَبِينَ» 4حضرت از بستگان خود دعوت كرد و پس از پذيرايي از آنها، پيام دعوت به توحيد را بيان نمودند.      در جايي ديگر خداوند به پيامبر(ص) مي فرمايد: «قُلْ يَا اَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَي كَلِمَهٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ»5يعني ابتكار عمل در دست تو باشد و با توجه به مشتركات خود با اهل كتاب، آنها را دعوت كن. و همين طور در مورد حضرت موسي(ع) مي فرمايد: «اذْهَبْ إِلَي فِرْعَوْنَ إِنَهُ طَغَي».6                **3. به دنبال گرفتن دستمزد از مردم نباشيم**      بايد توجه داشت كه در قرآن كريم آمده «قلْ لا اَسْاَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا» 7يعني در خواست نكنيد «لا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلا شُكُورًا»8 يعني در دل هم، توقع نداشته باشيد؛ ولي نداريم كه «لا ناخذ»! پس براي پول نرويد و توقع هم نداشته باشيد، ولي اگر دادند بگيريد. مثل اينكه سايه بايد دنبال ما باشد، نخ در پي سوزن باشد و كفش براي پا باشد؛ نه برعكس.                **4. برنامه ريزي تبليغي به صورت ريشه اي باشد**      با خودم فكر كردم كه ما پزشك اطفال داريم اما آخوند اطفال ندار يم. در روايت هم آمده است كه «عَلَيكُم بِالاِحداث». در حكمت اين تاكيد حضرت علي(ع) ضمن توصيه هاي خود به فرزند گرامي شان اما حسن مجتبي (ع) مي فرمايد: «وَ إِنَمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْاَرْضِ الْخَالِيَهِ مَا اُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْ‏ءٍ قَبِلَتْه»ُ زيرا قلب نوجوان مانند زمين خالي و كاشته نشده است و آماده پذيرش هر بذري است كه در آن پاشيده شود.                **5. مديريت زمان با توجه به حال مخاطب**      در روايت داريم كه رسول اعظم(ص) نماز جماعت مي خواندند، صداي گريه طفلي بلند شد، حضرت نماز را سريع تر تمام كردند. وقتي براي نماز جماعت با وجود اين همه عظمت و اهميت توصيه شده است كه مراعات حال اضعف مامومين شود، چرا سخنراني هاي ما اين گونه نباشد؟! بارها شده كه تفسير يك دقيقه اي هم گفته ام.                **6. ضرورت روان و صميمي بودن گفتار و كلام**      كساني كه پاي منبر نشسته اند چه گناهي دارند كه داد و فرياد بشنوند.؟! با مردم ساده حرف بزنيم تا بفهمند. در درسي اشكال كردم، استاد گفت: اشكال به ناقل، يا منقول، يا منقول به، يا منقول فيه، يا منقول عليه است؟! گفتم اصلاً اشكال يادم رفت! در روايت هم داريم كه رسول اكرم(ص) فرمودند: «اَنا آكِلٌ كَما يَاكُل العَبد وَ اجلس كَما يَجلس العَبد» در قرآن هم مي خوانم كه «قُلْ إِنَمَا اَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ».9                **7. به جاي گريه سراغ خنده برويم**      با ايجاد فضاي شاد، مخاطب سرحال، با انگيزه و همراه بحث مي ماند و خداوند هم مي فرمايد: «وَاَنَهُ هُوَ اَضْحَكَ وَاَبْكَي»10 و اين اوست كه مي خنداند و مي گرياند. خنده مثل تكان دادن گوني است كه جا باز مي كند. با خنده مخاطب شما احساس خستگي نمي كند.                **8. هدف انجام وظيفه باشد نه رفع تكليف**      «لا يُكَلِفُ اللَهُ نَفْسًا إِلا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ».11مگر يادمان رفته كه انبياء و اولياي الهي را نه تنها استقبال نمي كردند، بلكه با انواع و اقسام تهمت ها و افتراها و آزار و اذيت ها مانع فعاليت آنها مي شدند.                **9. تبليغ در همه سال، نه انحصار در زمان خاص**      در قرآن كريم مي خوانيم كه: «إِيلافِهِمْ رِحْلَهَ الشِتَاءِ وَالصَيْفِ»12 اگر اقتصاد مردم تعطيل بردار نيست، چرا اعتقاد آنها موسمي و فصلي باشد؟! هرچند نقش زمان و آثار آن نبايد ناديده گرفته شود، ولي فقط به آنها هم اكتفا نشود.                **10. باز خوردگيري از مباحث و مثل ها و تلاش در اصلاح آنها**      مدتي براي مثال زدن افرادي كه كم تر مي فهمند يا نمي فهمند از واژه دهاتي استفاده مي كردم! دهاتي ها اعتراض كردند كه چرا ما را مثال مي زني مگر ما اينگونه هستيم؟! بعداً آن را به پشت كوهي تبديل كرديم! باز نامه آمد مگر ما چه تقصيري داريم؟! معلوم شد كه نام روستاي آنها پشت كوه بوده و اين برايشان حساسيت ايجاد كرده است! در زمان طاغوت منبري اي در شهري از وضع نامناسب ديني انتقاد مي كرد كه چرا بايد در فلان نقطه شهر در فلان مركز دختر و پسر باهم اجتماع كنند و فساد و فحشا باشد. دو جواني كه اين قضيه را شنيده بودند گفتند دنبال آدرس مي گشتيم كه آقا دادند.      اميدواريم خداوند همه ما را در شناخت و عمل و تبليغ و ترويج اسلام ناب محمدي(ص) موفق بدارد و در ظهور ولي الله الاعظم تعجيل فرمايد.«رَبَنَا تَقَبَلْ مِنَا إِنَكَ اَنْتَ السَمِيعُ الْعَلِيمُ».                **پي نوشت ها:**     1. نحل/125.      2. سلام الدين معني الدين،دوماهنامه آفاق، ش 45.      3. نهج البلاغه، خطبه 108.      4. شعراء/214.      5. آل عمران/64.      6. طه/24.      7. شوري/23.      8. انسان/9.      9. كهف/110.      10. نجم/43.      11. بقره/286.      12. قريش/2. | | | |